باورداشت مهدويّت در جوامع اسلامي

حجت‌الاسلام والمسلمين دكتر علي اكبر حسني

اعتقاد به مهدي و مهدويت، از بدعت‌ها و انحراف‌ها نبوده و نيست؛ بلكه برخاسته از صد‌ها و هزاران نص و نصوص از پيامبر صلي الله عليه و آله و صحابه و تابعان و امامان معصوم عليهم السلام است و ريشه در منابع اصيل راستين قرآن و عترت و اهل‌بيت عليهم السلام دارد و از زمان پيامبر صلي الله عليه و آله شهرت داشته و حتي مردم، برخي از اهل‌بيت عليهم السلام را مهدي مي‌پنداشتند.

كليدواژه‌ها: ائمه دوازده‌گانه، خليفه، مهدي، ظهور، مدعيان دروغين، سامرا، سرداب مقدس.

مقدمه

بر ما و همه پيروان راستين حق و منتظران ظهور حضرت مهدي عليه السلام و همه توده‌هاي محروم، لازم است كه نخست بازي‌ها و شگرد‌هاي مدعيان دروغين را باز شناسيم و سپس سطح شناخت و آگاهي خويش از حضرت مهدي عليه السلام را بدان پايه برسانيم كه دچار اشتباه نشويم و معيار كاملي براي تشخيص حق و باطل داشته باشيم. مهم‌ترين علت اين‌كه مدعيان مهدويت نسبتاً زياد بوده‌اند، آن است كه متجاوز از سه هزار حديث و روايت از قول پيامبر صلي الله عليه و آله و امامان معصوم عليهم السلام درباره خصوصيات مهدي عليه السلام و نام و نشان آن حضرت عجل الله تعالي فرجه الشريف وارد شده است.

به ويژه نام مهدي عليه السلام و نحوه ولادت آن حضرت و نام او و پدر و مادرش و اين كه فرزند چندم پيامبر صلي الله عليه و آله و امام حسين عليه السلام است و علايم ظهور و خصوصيات بعد از ظهور چگونه است و ياران ويژه‌اش چه خصوصياتي دارند، همگي بيان شده است.

اين حقيقت، چنان مسلم و انكارناپذير و مشهود بود كه شيعه و سني و حتي دشمنان اهل‌بيت عليهم السلام و خلفاي جور هم آن را به خوبي مي‌دانستند؛ ولي بسياري از مردم، در تطبيق و مصداق آن و نيز جزييات زمان ظهور آن حضرت، دچار اشتباه مي‌شدند و احياناً بسياري از امامان راستين شيعه را به غلط، مهدي مي‌پنداشتند.

اينك براي روشن شدن بيشتر اين مطلب، به چند نمونه اشاره مي‌كنيم.

مدعيان كاذب مهدويت و كساني كه مهدي پنداشته شده‌اند

برخي از كساني كه مردم، آن‌ها را مهدي پنداشته‌اند يا خود آنان، مردم را گمراه ساخته و به نام مهدي قيام كرده‌اند، عبارتند از:

گروهي از مسلمانان (كيسانيه) محمد حنفيه را مهدي دانسته‌اند و معتقدند در كوه رضوي غايب مي‌باشد.[1]

گروهي از «جاروديه» محمد بن عبد الله بن حسن را مهدي غايب دانسته‌اند و در انتظار ظهورش به سر مي‌برند.[2]

«ناووسيه» گروه ديگري هستند كه حضرت امام صادق عليه السلام را زنده و مهدي مي‌دانند.[3]

«واقفيه» حضرت موسي بن جعفر عليه السلام را امام زنده و غايب مي‌دانند كه بعداً ظاهر مي‌شود و دنيا را پر از عدل و داد مي‌سازد.[4]

«اسماعيليه» به مهدويت حضرت اسماعيل، فرزند امام صادق عليه السلام معتقدند و مي‌گويند: او نمرده است؛ بلكه از روي تقيه به او نسبت مرگ داده‌اند.

«باقريه» حضرت امام باقر عليه السلام را مهدي موعود و «محمديه» حضرت محمد بن علي فرزند امام علي النقي عليه السلام را مهدي مي‌دانستند.[5]

«جوازيه» معتقدند كه حجت ابن الحسن فرزندي داشته و او مهدي است. گروه ديگر از اسماعيليه معتقدند كه محمد بن عبد الله مغربي ملقب به مهدي كه در مغرب به سلطنت رسيده، همان مهدي موعود است كه در روايات آمده است در سال 300 ق از مغرب نمايان مي‌شود.

مهدي مصر در سال 1213ق (1768 م) ادعاي مهدويت كرد و گروهي را گرد خود جمع نمود؛ ولي سرانجام با هجوم لشكريان ناپلئون، شكست خورد و متواري شد.[6]

درويش رضا در سال سوم جلوس شاه صفي صفوي به نام مهدي در قزوين خروج كرد.[7]

گروهي آن قدر بي‌خردند كه به مهدويت يزيد معتقد مي‌باشند و مي‌گويند: او به آسمان رفته و بعداً بر مي‌گردد و دنيا را پر از عدل و داد مي‌كند. چه پندار احمقانه‌اي! يزيد در سه سال سلطنت كثيف خود، چه كرد، تا بعداً عدل و داد، برپا بكند؟ چه جنايات وحشيانه‌اي كه انجام نداد! سال اول حكومتش، امام حسين عليه السلام و يارانش را شهيد كرد. سال دوم، مردم مدينه را قتل عام كرد و مال و جان و ناموس آنان را مباح دانست و سال سوم، به تخريب كعبه پرداخت. لابد نمونه عدل و داد او از همين قماش‌ها است. درست مانند قيام باب و بها كه به قول خود، دنيا را پر از عدل و داد كردند و آباد نمودند و رفتند و در راه اين هدف خون‌هاي بي‌گناهان بسياري را ريختند.[8]

«راونديه» منصور عباسي، خليفه سفاك را مهدي دانسته و حتي معتقد بودند كه روح خدا در پيكر او حلول كرده و همچون طواف كعبه، گرد كاخ خليفه، طواف مي‌كردند. اين خليفه نيز نه تنها امتناع نداشت؛ بلكه خشنود نيز بود. مي‌گويند روزي مسلمان ساده لوحي به خليفه گفت: «اين قوم تو را «مهدي» بلكه خدا مي‌دانند و گرد خانه تو طواف مي‌كنند. آنان مشركند؛ طردشان كن و حكم قتل آنان را صادر نما».

او گفت: «ترجيح مي‌دهم اين قوم به من وفادار باشند و به جهنم بروند، تا بر ضد من قيام كنند و به بهشت بروند».[9]

بسياري محمد ديباج و عبد‌الله‌ابن الحسن را امام و ديگر قيامگران علوي را مهدي دانسته‌اند.

البته ممكن است عشق و علاقه مردم به مهدي و آشنايي با نام آن حضرت و وعده‌هاي پيامبر صلي الله عليه و آله درباره ظهور و قيامش، سبب شده است به اينان گرايش يابند؛ ولي بيشتر مهدي‌نماها در نقاط و زمان‌هاي مختلف، دام گسترده وهر يك گروهي را گمراه كرده‌اند. بسياري از آنان، آشكارا مردم را به سوي خود دعوت مي‌كردند و نام مهدي بر خود مي‌نهادند. استعمار نيز براي ايجاد تفرقه در صفوف مسلمين و بهره‌گيري از جاه‌طلبي افراد مورد نظر به اين مهدي‌گري‌ها دامن زده است.

مهدي سوداني، در سال 1848م متولد و در سال 1885م كشته شد. او سودان را گرفت و چهار جانشين براي خود معرفي كرد.[10]

مي گويند: پيروان محمد بن عبد الله نفس زكيه، حديث منسوب به پيامبر صلي الله عليه و آله كه «نام او (مهدي) نام من و نام پدرش نام پدر من است» را جعل كرده‌اند.

«زيديه» به مهدويت زيد بن علي بن الحسين معتقدند كه در سال 120 يا 122 ق شهيد شد.[11]

برخي ابوالعباس سفاح نخستين خليفه عباسي پس از سرنگوني بني اميه را مهدي پنداشتند.

«ابو مسلم خراساني» نيز ادعاي مهدويت كرد و در سال 138 ق كشته شد.[12]

«ابن مقنع» نقابدار معروف خراسان كه در علوم غريبه از جمله شعبده و طلسم و ... مهارت داشت، مدعي مهدويت بود.[13]

«حاكم نصرالله» كه در سال 386 ق خليفه شد، نخست ادعاي مهدويت كرد و سپس ادعاي الوهيت (خدايي) نمود.[14]

گويي بيشتر مدعيان مهدويت، بعد از ادعاي نبوت، ادعاي خدايي هم كرده‌اند؛ چون استقبال مردم ساده دل به مذاقشان شيرين آمده، درجه و رتبه خود را بالاتر مي‌بردند.

«ابومحمد عبد الله مهدي» در آفريقا كه در سال 344ق وفات كرد، خود را مهدي و امير مومنان خواند.[15]

«عبد الله عجمي» در ماه رمضان 1081 ق در مسجد الحرام، ادعاي مهدويت كرد.

«محمد بن احمد سوداني» نيز در سال 1299 ق ادعاي مهدويت كرد.[16]

«سيد محمد بن علي بن احمد ادريس» در سال 1323 ق ادعاي مهدويت كرد.

ابن سعيد يماني ملقب به فقيه در سال 1256 ق مدعي مهدويت شد.[17]

آري؛ اين «مهدي»‌‌هاي بدلي و قلابي چون مهدي سوداني، مراكشي، مصري، هندي و پاكستاني، آمريكايي و ايراني و ... چه كارها كه نكردند و چه درگيري‌ها و خونريزي‌ها كه راه نينداختند! مردم ساده دل كه فريب اين بازيگران جاه‌طلب يا عوامل استعمار را خوردند، اين گرگ‌هاي گرسنه را در لباس چوپان ديدند و آنان را دلسوز خود و نجات بخش خويش پنداشتند. اينان قرباني خوش‌باوري، ناآگاهي و عدم شناخت و ژرف‌نگري‌هاي خود شدند. نمونه كوچك آن، غلام احمد قادياني است كه خود را در شبه قاره هند، مهدي ناميد. او به نصارا مي‌گفت: «من مسيح موعود هستم» و به يهود مي‌گفت: «من نبي آخرالزمان هستم» و ... . او كه تقريباً همزمان با ادعاي مهدويت سيد علي‌محمد باب در ايران و در اوج تب مهدي‌سازي استعمار انگلستان، ادعا كرد، تنها عمل مثبتي كه انجام داد ـ آن هم در اوج مبارزات ضد‌استعماري ملل آسيا؛ به ويژه مسلمانان شبه قاره هند بر ضد انگلستان و ... ـ گفت: «همة احكام اسلام، درست و به قوت خود باقي است، جز جهاد و امر به معروف كه من آن‌ها را نسخ كردم و برداشتم و به جاي آن، اطاعت از والي و حاكم را (كه در آنروز از طرف استعمار، در آن‌جا حكومت مي‌كرد) واجب مي‌كنم».

مهدي ايراني (ميرزا علي محمد باب) و سپس بها و ... را نيز ديديم كه چگونه مصلح جهان و نجات دهنده ملت و سعادت‌آفرين بودند؟؟

چه هرزگي‌ها و بد بختي‌ها، به ارمغان آوردند؟ در عصر علم و تسخير فضا، سوزاندن تمام كتب از جمله قرآن را واجب كردند و در صفحه 198 بيان فارسي مي‌گويد: «كتاب‌هاي عالم به غير از بيان و آنچه در قلمرو بيان نگارش يافته است، از بين ببريد». در صفحه 323 بيان فارسي استعمال دارو را مطلقا حرام كرده و دستور داده است، كه جز كتاب بيان ... همه را بسوزانند (او خواست تا در علم و فهم را به روي مردم جهان ببندد).

تمام وعده‌هاي خوب و كارنامه‌هاي امام زمان عليه السلام توسط اين مهدي‌هاي دروغين ساخته و پرداخته «تزار روس» و پرورده انگلستان و عامل بيگانه (آمريكا و اسراييل) به باد رفت. او جنگي نكرد و بر هيچ ستمگري غلبه ننمود و نه تنها حكومت جهاني تشكيل نداد؛ بلكه نتوانست حكومت محلي هم برپا كند. ايمان و اخلاق را ترويج نكرد كه هيچ؛ بلكه توسط او و ايادي‌اش فساد و دروغ و هرزگي، رواج يافت. او برخلاف امام زمان واقعي كه هميشه غالب و فاتح است، مغلوب همه شد و جسدش، خوراك سگان و ... گرديد. آن ديگري بهاء نيز سرانجامش چنان شد كه از پادشاه روس استمداد كرد. آري؛ اين استمداد را كسي مي‌طلبد كه روزي مي‌گفت: «خدايي جز من كه خداي زنداني تنها و يگانه است، وجود ندارد».[18]

ديدگاه اهل سنت دربارة مهدي موعود

اهل سنت مي‌گويند ما نيز به مهدي موعود عقيده داريم كه از اولاد رسول‌الله و از نسل فاطمه زهرا و علي مرتضي است؛ ولي هنوز متولد نشده است و در آخرالزمان متولد مي‌شود. همچنين خداوند حتي اگر يك روز از دنيا باقي باشد، آن را آن قدر طولاني مي‌كند كه او متولد شود و ظهور كند و قيام نمايد و زمين را پر از عدل و داد كند و دين اسلام را بر همة دنيا غالب كند؛ سپس پايان عمر دنيا است و قيامت بر پا مي‌گردد. آنان مي‌گويند ما به مهدي امت عقيده داريم؛ ولي نه مانند شيعه.

مسأله تولد و زنده بودن حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف در منابع اهل سنت

دستاويز «ابن خلدون» و ديگران

در سفري به مكه و مدينه در برخورد با يكي از اساتيد دانشگاه مدينه كه نويسنده و متفكر معروفي است، ضمن انتقاد به برخي از افكار شيعه، بحثي هم دربارة حضرت مهدي انجام شد. او مي‌گفت: «ما هم به وجود مهدي عقيده داريم؛ ولي نه مهدي كه در چاه غايب شده باشد. بلكه مهدي كه از اولاد پيامبر صلي الله عليه و آله است و در آخر‌الزمان ظهور مي‌كند. نه آن مهدي كه غلات شيعه معتقدند در سرداب غايب شده و هنوز هم آن‌جا است و هر شب، ده‌ها شيعه اسب‌ها را زين كرده و مقابل سرداب، منتظر باشند و بگويند: «يا مهدي اخرج الينا اخرج الينا».

انتقاد او ناظر به مطالب «ابن خلدون» در ص 157 مقدمه‌اش بود. وي مي‌گويد:

غلات شيعه ـ به ويژه دوازده امامي‌ها ـ مي‌پندارند دوازدهمين پيشوايشان، محمد بن حسن عسكري است كه به او لقب مهدي داده‌اند و داخل سرداب خانه‌شان در شهر «حله» غايب شد. او در آخر الزمان قيام مي‌كند و زمين را پر از عدل و داد مي‌سازد ... . آنان، اكنون در انتظار او هستند و او را منتظَر مي‌نامند و بعد از نماز مغرب، با اسب‌هاي زين شده و آماده، دم در سرداب منتظر ايستاده و فرياد مي‌زنند و او را به نام براي خروج و قيام مي‌خوانند، تا نزديك صبح ...! [19]

وي در آن كتاب[20]، به بحث مفصلي دربارة مهدي و روايات منقول درباره آن حضرت، از كتب اهل سنت، مي‌پردازد.

اين، دروغ بي‌اساسي است كه به شيعه نسبت داده‌اند. ابن خلدون و سپس ابن تيميه آن را تبليغ و ترويج كرده و افسانة غيبت در سرداب سامره را ساخته و پرداخته‌اند و مي‌گويند: شيعه، با اسب‌هاي زين‌كرده آن‌جا در انتظار ظهورند و با شعار يا مهدي اخرج الينا ... در انتظار فرج هستند.

1. مهدي و امام زمان فرزند امام حسن عسكري است.

در اين‌كه امام زمان حضرت مهدي عليه السلام فرزند بي‌واسطة امام حسن عسكري عليه السلام و يازدهمين پيشواي شيعه است، شكي نيست؛ چون از پيامبر صلي الله عليه و آله و صحابه بزرگوار و يكايك امامان شيعه، احاديث متقن و معتبري در اين‌باره نقل شده است.

ينابيع المودة از مدارك معتبر اهل سنت در ص 491 نقل كرده است كه خلف صالح، از فرزندان حسن بن علي عسكري عليه السلام و صاحب الزمان مي‌باشد و او است مهدي آخر الزمان.

مرحوم «علي بن عيسي اربلي» صاحب كتاب «كشف‌الغمه» مي‌نويسد:

چهل حديث درباره مهدي موعود به‌دست آوردم كه اهل سنت آن‌ها را از پيامبر صلي الله عليه و آله نقل كرده‌اند و حافظ ابونعيم اصفهاني از علماي بزرگ اهل سنت (متوفاي 430 ق) آن‌ها را در كتاب اربعين خود آورده است.[21]

در فوائد السمطين از امام رضا عليه السلام نقل شده است كه امام بعد از من، پسرم محمد تقي و بعد از او پسرش امام هادي نقي و بعد از او پسرش امام حسن عسكري است و بعدش پسر او، محمد بن حجت مهدي منتظر عليه السلام خواهد بود.

و حتي عبدالوهاب شعراني در كتاب اليواقيت و الجواهر مبحث 65 مي‌نويسد:

«از اموري كه قبل از قيامت واقع مي‌شود، خروج مهدي است. او فرزند امام حسن عسكري است و تولد او در نيمه شعبان سال 255ق مي‌باشد. او باقي است تا با عيسي بن مريم جمع شود».

نيز در اين هم ترديدي نيست كه مهدي عليه السلام آخرين امام و دوازدهمين وصي از خلفاي راشدين است كه پيامبر به آن تصريح كرده است. او همان كسي است كه در سال 255ق متولد شده و پدرش امام يازدهم، امام حسن عسكري عليه السلام است. در حالي‌كه از سن مبارك امام زمان، بيش از پنج سال نگذشته بود، پدرش شهيد شد و از دنيا رفت.

2. حيات مهدي عليه السلام و طول عمر او

از نظر روايات و احاديث معتبر فريقين، در اين‌كه آن‌حضرت هنوز هم به امر و اراده الهي زنده، ولي غايب و پنهان از انظار مردم است و به اذن خداوند ظهور مي‌كند، ترديدي وجود ندارد.

البته برخي از مسلمانان در آن شك و ترديد دارند؛ ولي شيعه، و برخي از فرق اسلامي، براي اين اعتقاد خود، دلايل فراوان و براهين مستحكم و قاطعي دارند كه ضمن ده‌ها و صد‌ها كتاب، با قرآن و سنت و عقل و اجماع آن‌ها را اثبات كرده‌اند.

برخي علماي اهل سنت نيز با اين عقيده شيعه موافقند و به طور قطع بايد گفت: اين عقيده، بين مسلمانان، مشهور است.[22]

بررسي همه جانبه اين دلايل و نقل همة احاديث مزبور، از حوصله مقاله بيرون است؛ ولي به ذكر نام آنان اكتفا مي‌كنيم و نام‌هاي گروهي از دانشمندان و بزرگان اهل سنت و مشايخ صوفيه را كه به ولادت آن حضرت و حياتش تا زماني‌كه خداوند به او اذن ظهور و قيام دهد، اعتراف كرده‌اند، از نظر مي‌گذرانيم:

1. كمال الدين محمد بن طلحه شافعي (متولد سال 583 ق) در كتاب مطالب السؤول.[23]

2. حافظ محمد بن يوسف بن محمد گنجي شافعي دركتاب البيان في اخبار صاحب الزمان.

3. ابن صباغ مالكي دركتاب الفصول المهمة.

4. سبط بن جوزي در تذكرة الخواص.[24]

5. محي الدين بن عربي، جزء سوم از باب 366 فتوحات مكيه را به حضرت مهدي اختصاص داده است.[25]

6. شيخ عبدالوهاب شعراني در كتاب اليواقيت و الجواهر.

7. شيخ حسن عراقي.

8. شيخ علي خوّاص.

9. شيخ عبدالرحمن جامي.

10. حافظ محمد بخاري.

11. ابن فوارس رازي.

12. سيد جمال الدين محدث.

13. حافظ احمد بلاذري (غير از بلاذري صاحب انساب الاشراف است).

14. ابن خشاب بغدادي.

15. ملك العلماء دولت آبادي.

16. شيخ علي متقي هندي (صاحب كنزالعمال).

17. ابن روزبهان شيرازي.

18. ناصرالدين‌اله عباسي.

19. شيخ سليمان قندوزي در كتاب ينابيع المودة، ص452.

20. صلاح‌‌الدين صفدي.

21. شيخ عبدالرحمن بسطامي.

22. شيخ عبدالرحمن صاحب مرآة الاسرار.

23. شيخ قطب مدار.

24. شيخ جواد يساباطي.

25. شيخ سعد الدين حموي.[26]

26. شيخ عامر بقري.

27. شيخ صدر‌الدين قونوي.

28. شيخ جلال‌الدين رومي.

29. شيخ عطار نيشابوري.

30. شيخ شمس‌الدين تبريزي.

31. سيد نعمت‌الله ولي (از مشايخ صوفيه).

32. السيد نسيمي.

33. سيد علي همداني.

34. شيخ عبد الله عطيري.

35. سيد سراج الدين رفاعي.

36. شيخ محمد صبان عصري.

37. محمد ابراهيم حمويني شافعي در فرايد السمطين.

38. محمد بن شحنه حنفي در روضة المناظر، ج1، ص294.

39. حافظ عبدالرحمن سيوطي شافعي.

40. حافظ محمد بن مسعود بغوي.

41. شهاب الدين ابن حجر مكي صاحب الصواعق المحرقة.

42. مؤمن شبلنجي صاحب نورالابصار، باب دوم، ص152.

43. حافظ ابوبكر بيهقي.

44. ابن خلكان مورخ مشهور.

45. فرماني صاحب اخبار الاول.

46. شمس الدين بن طولون صاحب الشذور الذهبة.

47. حافظ ابونعيم، رضوان العقبي.

48. علي بن حسين مسعودي صاحب مروج الذهب.

49. ابن اثير جزري صاحب كامل التواريخ.

50. ابو الفداء مورخ مشهور و صاحب المختصر في اخبار البشر.

51. محمد خواند مير صاحب روضة الصفا.

52. خواند مير صاحب حبيب السير.

53. حسين بن محمد دياربكري، صاحب تاريخ الخميس.

54. شيخ ابن عمار حنبلي، صاحب شذرات الذهب.

55. جلال الدين سيوطي در علامات المهدي.

56. ابو نعيم در اخبار المهدي.

57. ابن حجر هيثمي در القول المختصر.

58. شوكاني در التوضيح.

59. ابو عباس ابن عبدالمؤمن مغربي در كتاب الوهم المكنون.

60. متقي هندي در البرهان.

و ... ده‌ها نفر ديگر.[27]

به طور كلي مي‌توان گفت كه دانشمندان اهل سنت، متجاوز از پانصد حديث در بيش از شصت كتاب معتبر خود آورده‌اند.[28]

اعتراف افراطي‌ترين فرق اهل سنت

جالب‌تر آن‌كه چند سال قبل، مسلماني از اهل كنيا به نام ابومحمد از «رابطة العالم الاسلامي» كه مركز آن، در مكه است و زير نفوذ متعصب‌ترين فرقه‌هاي اهل سنت (وهابي‌ها) اداره مي‌شود، درباره ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف سؤال مي‌كند. دبير كل رابطة العالم الاسلامي، محمد صالح القزار در پاسخ وي، ضمن اعتراف به اين‌كه حتي ابن تيميه، مؤسس مذهب وهابي نيز احاديث مربوط به حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را پذيرفته و نقل كرده است، متن رساله‌اي را كه پنج نفر از بزرگان علماي فعلي حجاز تهيه كرده بودند، برايش ارسال مي‌دارد. در اين رساله نام و مشخصات حضرت و محل ظهور او (در مكه) و ويژگي‌هاي ديگر آن و اوضاع عمومي جهان در عصر ظهور حضرت مهدي آمده است. آنان، تصريح كرده‌اند كه آن حضرت، آخرين خليفه از خلفاي راشدين دوازده گانه است كه پيامبر صلي الله عليه و آله خبر آن‌ها را بيان فرموده و در كتب معروف اهل سنت و صحاح، نقل شده است.

نيز مي‌افزايد:

بسياري از صحابه پيامبر صلي الله عليه و آله از جمله علي عليه السلام، عثمان، طلحه، و عبد الرحمن بن عوف، آن را نقل كرده و مي‌گويند: «اين پانزده تن از اصحاب پيامبر، احاديث مزبور را نقل كرده‌اند و غير از آنان، افراد ديگري نيز نقل كرده‌اند. به علاوه سخنان فراواني نيز از خود صحابه نقل شده كه در آن، بحث ظهور حضرت مهدي آمده است و در بسياري از كتب معروف اسلامي و متون اصلي حديث، اعم از سنن، معاجم و مسانيد آمده است.

همچنين پس از تصريح به نام كتاب‌ها و دانشمنداني كه درباره حضرت مهدي كتاب‌هايي تاليف كرده‌اند، مي‌نويسد:

آخرين كسي كه در اين‌باره بحث مشروحي نگاشته، مدير دانشگاه اسلامي مدينه است كه در چندين شماره مجله دانشگاه مزبور بحث كرده است.[29]

در مجله الجامعة الاسلامية آمده است:[30]

عده اي از بزرگان و دانشمندان اسلامي از قديم و جديد نيز در نوشته‌هاي خود تصريح كرده‌اند كه احاديث دربارة مهدي در حد تواتر است و به هيچ وجه قابل انكار نيست؛ مانند سخاوي در كتاب فتح المغيث و محمد بن احمد سفاايني در شرح العقيده و ابوالحسن آبري در مناقب و ابن تيميه در الفتاوا و سيوطي در الحاوي و محمد جعفر كناني در نظم التناثر.

سپس مي‌افزايد:

تنها ابن خلدون است كه خواسته احاديث مهدي را با حديث بي اساس و مجعولي كه مي‌گويد: «مهدي‌اي جز عيسي نيست». مورد ايراد قرار دهد؛ ولي بزرگان و پيشوايان و دانشمندان اسلام، گفتار او را رد كرده‌اند؛ به خصوص «ابن عبد المؤمن» كه كتابي در رد آن نوشته كه سي سال پيش انتشار يافته است.

هم‌چنين اين مجله در مقاله‌اي[31] به قلم شيخ عبد الحسين العباد، استاد دانشگاه مدينه، عنوان «عقيدة اهل السنة و الاثرفي المهدي المنتظر» طي نود صفحه مباحث مفصل و مستندي درباره حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف نقل كرده است كه به طور خلاصه به گوشه‌اي از آن‌ها اشاره مي‌شود.

در اين مقاله فهرست مطالب دربارة حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف از حديث و روايت چنين بيان شده است:

1. مشخصات 26 تن از اصحاب معروف پيامبر صلي الله عليه و آله كه احاديث حضرت مهدي عليه السلام را از خود پيامبر نقل كرده‌اند.

2. پيشوايان و امامان حديث اهل سنت كه احاديث و آثار وارده دربارة حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را در كتب خود نقل كرده‌اند. در اين‌باره، مشخصات 38 نفر از صاحبان صحاح معروف و مشهور اهل سنت را بيان مي‌كند. از جمله ابوداوود، ترمذي، نسايي، ابن ماجه، احمد بن حنبل و حاكم.

3. مشخصات ده نفر از قدماي علماي اهل سنت كه درباره مقام و خصوصيات حضرت مهدي عليه السلام كتاب تاليف كرده‌اند.

4. نام‌‌هاي كساني كه متواتر بودن احاديث مربوط درباره حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را نقل كرده و در كلام و نوشته‌هاي خويش، آورده‌اند.

5. اشاره به احاديثي كه در صحيحين و غير صحيحين درباره حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف آمده است.[32]

به علاوه خود ابن خلدون اين حقيقت را نقل كرده و اصل ظهور و قيام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را از اصول مسلمه دانسته است و مي‌گويد:

ما مي‌گوييم جمعي از امامان حديث، احاديث مربوط به مهدي را ثبت كرده‌اند كه همگي از رجال و معروفان مي‌باشند:

1. ترمذي (ابو عيسي محمد ترمذي صاحب كتاب صحيح ترمذي (متوفاي 279 ق).

2. ابو داوود كه كنيه سليمان بن اشعث بن اسحق بن شداد بن عمرو بن عمران ازدي سجستاني صاحب سنن (متوفاي 272 ق) است.

3. ابن ماجه محمد بن يزيد بن ماجه قزويني، مكني به ابو عبد الله، از مشاهير اهل سنت و صاحب سنن (متوفاي 273 ق).

4. بزاز ابوبكر بن احمد بن عمر بصري صاحب مسند كبير (متوفاي 292ق).[33]

5. حاكم نيشابوري صاحب تأليفات مهم در تاريخ حديث (متوفاي 403ق).

6. ابويعلي موصلي احمد بن علي تيمي موصل صاحب كتاب مسند الكبير (متوفاي 307ق).

7. طبراني سليمان بن احمد بن ايوب (متوفاي 260 ق).

اين گروه روايات مربوط به حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را به جمعي از صحابه از جمله به علي عليه السلام، ابن عباس، ابن عمر، ابن مسعود، ابوهريره، انس بن مالك، ابو سعيد خدري، ام حبيبه و ام سلمه رسانده‌اند.[34]

گوشه‌اي از برنامه‌هاي حضرت مهدي عليه السلام

اكنون براي شناخت بيشتر از امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف و آشنايي با برنامه آن حضرت پس از ظهور ، به قسمتي از كارنامه آن حضرت اشاره مي‌كنيم و به گوشه‌اي از ويژگي‌هاي قيام مهدي عليه السلام مي‌پردازيم.

1. مبدأ قيام

از ويژگي‌هاي مهم قيام حضرت مهدي، آن است كه مبدأ قيام آن حضرت از مكه است. او در حالي‌كه به ديوار مكه تكيه دارد، با صدايي كه مردم مي‌شنوند و آن حضرت را مي‌نگرند، اين آيه را مي‌خواند: «بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين»؛ و سپس مي‌فرمايد: «انا بقية الله في ارضه ...» ؛ اول جبرييل، با او بيعت مي‌كند و سپس نيروي ويژه 313 نفري از ياران خاص و آن‌گاه كه شمار يارانش به ده هزار نفر رسيد، از مكه به سوي مدينه و سپس به كوفه مي‌آيد و آن‌جا را پايگاه خويش قرار مي‌دهد.[35]

امام صادق عليه السلام فرمود:

سوگند به خدا! او فقط لباس خشن مي‌پوشد و از نان جو خشك تغذيه مي‌كند. قيامش، با شمشير است و مرگ در سايه شمشير و ….[36]

2. پيامبر‌گونه بودن قيام

آن حضرت، هنگام ظهور، پرچم پيامبر صلي الله عليه و آله را بر دست و پيراهن پيامبر صلي الله عليه و آله بر تن و شمشير آن حضرت را در دست دارد و نشانه‌هاي ظاهري و باطني پيامبر در او نمايان است.[37]

قيام آن حضرت، پيامبر‌گونه است. بسيار بيشتر از افراد فقير و محروم كه در آغاز امر، به پيامبر گرويدند، به حضرت مهدي عليه السلام گرايش مي‌يابند؛ چون تمام صفا و صميميت و اخلاق عظيم و معنويت و كمال پيامبران را در وجود حضرت مهدي عليه السلام جمع خواهند ديد.

امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامي‌كه قيام كند، به منبر مي‌رود و پس از بيان فلسفه و راز بعثت انبيا، مردم را به سوي خويش مي‌خواند و مردم را به خدا سوگند مي‌دهد و آنان را به سوي خداوند مي‌خواند و به راه و روش و به سيره پيامبر و سنت رسول خدا عمل مي‌كند. جبرييل، نخستين كسي است كه با او بيعت مي‌كند.[38]

نيز آن امام فرمود: «او چون پيامبر عمل مي‌كند و همانند او آثار جاهليت را ويران مي‌كند و اسلام را نوسازي مي‌كند.»[39]

و در جاي ديگر فرمود: او به راه و رسم پيامبر مي‌رود و بيان كننده و مفسر آثار حضرت رسول است.[40]

3. قيام مسلحانه

از ويژگي‌هاي آن حضرت، قيام مسلحانه است؛ يعني همراه دلائل و برهان، براي پيشرفت كارها و ارائه مكتب توحيد و عدالت، سلاح نيز به كار مي‌برد. منظور از قائم بالسيف نيز همين است و كنايه از به كار بردن اسلحه است. امام باقر عليه السلام فرمود:

مهدي، از اين جهت با جدش محمد شباهت دارد كه با شمشير قيام مي‌كند و دشمنان پيامبر و طاغوت و ستمكاران و گمراه‌كنندگان را به قتل مي‌رساند. هيچ يك از پرچم‌ها و ستون نظامي كه به ميدان جنگ مي‌فرستند، شكست نمي‌خورند.[41]

با كدامين سلاح؟

براي پيشبرد يك قيام عمومي و يك انقلاب جهاني، ضرورت به كارگيري اسلحه، انكار‌ناپذير است؛ اين‌كه آن زمان، امام فقط با شمشير مي‌جنگد يا با سلاح مدرن، مطلبي است كه بايد گفت منافات ندارد كه امام عليه السلام همة سلاح‌هاي مدرن روز را يا به قدرت خداوند و اعجاز و يا طبق درخواست مردم آگاه و دارندگان آن سلاح در اختيار داشته باشد.

در انقلاب اسلامي ايران، ملت ما و رهبر ما، نخست سلاح مدرن نداشت؛ ولي سرانجام همه اسلحه‌هاي مدرن در اختيارش قرار گرفت. اين، به دليل آمادگي مردم براي انقلاب بود. با آمادگي مردم، جهان هنگام قيام مهدي عليه السلام نيز چنين خواهد بود.

ممكن است خود حضرت به سلاح‌هايي دست يابد كه همه سلاح‌هاي مدرن جهان برابرش ناچيز باشند. يا طبق پيش بيني امثال اينشتاين و ديگران، جنگ آينده (و جنگ جهاني سوم) جنگ اتمي و ... نخواهد بود و چون تمام تمدن و صنعت بشر، در آن روز نابود خواهد شد و بشر باقيمانده، به زندگي ابتدايي باز مي‌گردد و قهرا تنها سلاح آنروز شمشير خواهد بود!

البته اين هم يك احتمال است كه معناي قيام با شمشير را توجيه مي‌كند.

4. پذيرش حكومت جهاني واحد

از خصوصيات زمان آن حضرت، آن است كه جهان، در اثر ظلم و جور به جان آمده، پذيراي حكومت عدل جهاني امام زمان مي‌شود؛ آن چنان‌كه در اندك مدتي، حكومت‌ها سقوط مي‌كنند و همة مردم جهان از شرق و غرب، زير پرچم آن حضرت جمع مي‌شوند.

امام عليه السلام فرمود: هنگامي كه قائم آل محمد ظهور كند، خداوند اهل مشرق و مغرب را نزدش جمع مي‌كند.[42]

او به تمام نقاط جهان تسلط مي‌يابد و دين او بر تمام شرق و غرب مسلط مي‌شود. بدعت‌ها و باطل‌ها را نابود مي‌سازد، تا اثري از ظلم ديده نشود. همه مردم خدا پرست مي‌شوند و دولت‌هاي باطل، ريشه كن مي‌گردد.[43]

هنگامي كه امام زمان ظهور كند، مردم و شيعيان، از هر كجا كه باشد در نزد آن حضرت جمع مي‌شوند.[44]

امام باقر عليه السلام در ذيل آيه (ليظهره علي الدين كله و لوكره المشركون) مي‌فرمايد: «كسي باقي نمي‌ماند، مگر آن كه به دين پيامبر اعتراف مي‌كند»[45].

از امام صادق عليه السلام نيز روايت شده كه فرمود:

«هنگامي كه مهدي عليه السلام قيام كند، زميني باقي نمي‌ماند، مگر آن كه به يگانگي خدا و توحيد و رسالت حضرت محمد صلي الله عليه و آله شهادت مي‌دهد»[46].

5. گسترش عدالت در زمين

روايات زيادي از پيامبر و امامان عليهم السلام وارد شده است به اين مضمون كه عدالت جهانگير و گسترده، فقط در زمان حضرت مهدي عليه السلام امكان‌پذير است.

امام باقر عليه السلام در تفسير آية (ان الله يحيي الارض بعد موتها) فرمود:

«خداوند زمين را به وسيله قائم با عدالت احياء مي‌كند؛ آن گاه كه با ستم مرده باشد»[47].

امام صادق عليه السلام درباره او مي‌فرمايد:

هنگامي كه امام زمان عليه السلام قيام كرد، به عدالت حكم مي‌كند و جور و ستم برداشته مي‌شود. راه‌ها امن مي‌گردد و حق هر كس به او بازگردانده مي‌شود. همه اديان، اسلام را مي‌شناسند و ايمان مي‌آورند. مگر گفتار خداوند را نشنيده‌اي كه فرمود: «همة آنچه در آسمان و زمين است ـ چه خواسته يا نخواسته ـ مطيع او است و به سوي مردم حكم خواهد كرد».[48]

پيامبر صلي الله عليه و آله فرمود: امت او، گرد او جمع مي‌شوند، مثل زنبورهاي عسل كه گرد ملكه و رهبر خويش جمع مي‌شوند.[49]

خداوند، به وسيله او زمين را پر از عدل و داد مي‌كند؛ چنان كه پر از ظلم و جور شده است؛ در زمان او ذره‌اي ستم بر كسي روا نشود و آسايش بيگناهي بر هم نخورد و خوني بناحق ريخته نشود[50] و آثاري از ظلم ديده نخواهد شد.[51]

رسول گرامي اسلام صلي الله عليه و آله فرمود: او گنجينه‌هاي زمين را استخراج مي‌كند و اموال را تقسيم مي‌نمايد و اسلام را ثابت و مستقر مي‌سازد».[52]

6. امنيت عمومي

عملكرد امام زمان پس از ظهور، در زمينه تقويت و توسعة ايمان و اخلاق، فوق العاده است. آن حضرت، آن چنان با اخلاق و رفتارش و با برطرف ساختن موانع سعادت و هدايت مردم، مردم را به اسلام و حقانيت دعوت مي‌كند و عدالت و حق را تعميم مي‌دهد كه همه كافران مومن مي‌شوند و همه گمراهان، صالح مي‌گردند،[53] تا آن‌جا كه درندگان وحشي هم بي‌آزار مي‌شوند و در صلح و صفا زندگي مي‌كنند.

آن‌چنان آزادي و امنيت برقرار مي‌شود كه اگر شخصي از اين سر دنيا به آن سر دنيا برود، كسي متعرض او نخواهد شد.

امام زمان عليه السلام زمين را پر از عدل و داد مي‌سازد؛ چنان‌كه پر از جور شده بود. حيوانات همه ايمن مي‌باشند و زمين آنچه در درون دارد، از طلا و نقره، مثل ستون بيرون مي‌افكند.[54]

حضرت علي عليه السلام مي‌فرمايد:

كينه، از دل‌هاي بندگان بيرون مي‌رود و درندگان و حيوانات در صلح و صفا زندگي مي‌كنند. زني با زينت‌هاي خود بين عراق و سوريه را بدون ترس و خوف مي‌پيمايد و پا نمي‌گذارد، مگر بر سبزه و گياه. شرور از بين مي‌رود و زنا و فحشا و مي‌گساري برطرف مي‌شود و جز خير، چيزي باقي نمي‌ماند.[55]

7. نزول حضرت عيسي

مقام و منزلت حضرت مهدي عليه السلام به حدي است كه حضرت عيسي پس از رجعت و نزول كه همة يهود و مسيحي و غيره به او ايمان آورده‌اند، پشت سر آن حضرت نماز مي‌خواند و به حضرت مهدي مي‌گويد: تو سزاوارتري به امامت جماعت و ... . [56]

آن حضرت، نابود كننده دجال فتنه گر و گمراه‌گر مشهور است كه دعوت‌كننده مردم به باطل و آزادي مطلق فحشاء، قمار و شراب و ... مي‌باشد.

8. تكامل اخلاقي و معنوي

در زمان حضرت مهدي عليه السلام و در سايه رهبري آن حضرت، زمين و زندگي در دنيا پر از صلح و صفا مي‌شود و آسايش و رفاه همه جاي دنيا حكم‌فرما مي‌شود. از جنگ و دشمني خبري نيست و عداوت‌ها، كينه‌ها، حسدها و دشمني‌ها از دل مردم ريشه كن مي‌شود و امنيت عمومي برقرار مي‌گردد.[57]

امام چهارم عليه السلام فرمود: «هنگام حكومت قائم آل محمد صلي الله عليه و آله بيماري‌ها و نقص عضو‌ها و .. از اجتماع مسلمانان رخت مي‌بندد».[58]

تكامل علوم و عقول و دانش و تكنيك

يكي از آثار مهم ظهور آن حضرت، پيشرفت چشمگير عقل، انديشه‌ها و دانش و علوم است. برقراري يك حكومت نمونه جهاني و دربرگيرنده همه ملل و اقوام و بردارنده همه مرزهاي جغرافيايي و گردآورنده همگي جهانيان زير يك پرچم و در سايه توحيد و عدالت گسترده، بدون آمادگي و بدون آگاهي، امكان پذير نيست.

امام صادق عليه السلام فرمود: «علم و دانش، بيست و هفت حرف است و تاكنون بيش از دو حرف آن در دسترس بشر قرار نگرفته است. و بعد از ظهور امام، بيست و پنج حرف ديگر آن، نيز ظاهر مي‌شود».

امام باقر عليه السلام فرمود:

«وقتي كه امام زمان ظهور مي‌كند، دست قدرت الهي بر سر بندگان گذارده مي‌شود عقل‌هايشان و افكارشان بالا مي‌رود و رشد مي‌كند»[59].

10. گسترش فوق العاده شعاع ديد و شنوايي

هنگام حكومت جهاني حضرت مهدي عليه السلام شعاع فعاليت و قدرت ديد انسان‌ها و شنوايي آن‌ها فوق العاده گسترش مي‌يابد. شعاع ديد، حوزه شنوايي انسان، مرزها و قاره‌ها را مي‌نوردد و حتي از ميدان جاذبه كرات مي‌گذرد و پيام‌هاي بسيار دور از فضا دريافت مي‌كند و از راه بسيار دور، هم‌ديگر را مي‌بينند و با هم صحبت مي‌كنند.

امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامي كه قائم ما ظهور كند، خداوند، قدرت بينايي و شنوايي شيعيان ما را آن قدر توسعه مي‌دهد و زياد مي‌كند كه ميان آنان و امام، نيازي به واسطه و قاصد نباشد؛ چنان‌كه امام زمان با آنان بي واسطه و بدون پيك، سخن مي‌گويد و آنان از راه دور، مستقيماً او را ببينند و كلماتش را بشنوند، در حالي‌كه آن حضرت در جاي خودش قرار دارد.[60]

جالب‌تر آن كه افرادي كه در غرب هستند، مي‌توانند كساني‌كه در شرق عالم هستند، را ببينند.[61] بدون آن كه نيازي به حركت از جاي خود داشته باشند.

امام زمان با شكوه فراوان بر مركب بسيار سريع و تندرو سوار مي‌شود كه در روايات از آن، به ابر تعبير شده است.[62]

گوينده غيبي از آسمان، نداي ظهور و انقلاب مهدي عليه السلام را به گوش جهانيان مي‌رساند؛ به گونه‌اي كه هر قوم و ملت به زبان خودش آن را بفهمد.[63]

اين روايات كه در گذشته بسيار دور و متجاوز از چهارده قرن پيش صادر شده است، نمودار پيشرفت علوم و دانش، وسايل ارتباط جمعي و تكامل صنعتي بشر در زمان غيبت مي‌باشد.

11. آبادي و عمران زمين، پيشرفت كشاورزي و دامداري

پيامبر صلي الله عليه و آله و امير مؤمنان عليه السلام فرمودند كه:

«امام زمان بر شرق و غرب زمين مسلط مي‌شود و همة معادن و گنج‌هاي زير زميني در حكومت او آشكار و استخراج مي‌شود. در زمين، مخروبه‌اي باقي نمي‌ماند، مگر آن كه به وسيله او آباد شود.[64] زمين، طراوت و زيبايي خود را باز مي‌يابد، نهر‌ها جاري مي‌شود. فتنه‌ها و فساد و تهاجم، ريشه كن مي‌گردد و خير و بركات زياد مي‌شود.[65]

پيامبر صلي الله عليه و آله فرمود: «در آخر امت من، مهدي ظهور مي‌كند. خداوند، زمين را با باران‌هاي سودمند سيراب مي‌سازد و زمين هم نباتات خود را بيرون مي‌آورد و دام‌ها زياد مي‌شود»[66].

وضع اقتصادي مردم به حدي خوب مي‌باشد و ايثار و گذشت به حدي فراوان است كه فقيري پيدا نمي‌شود تا به او زكات بدهند.[67]

«و تظهر الارض من كنوزها حتي يراها الناس علي وجهها و يطلب الرجل منكم من يصله بماله و ياخذمنه زكاته فلايجد احدا يقبل منه ذلك، استغني الناس بمارزقهم الله من فضله».[68]

نتيجه‌گيري

درباره حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف از گذشته‌هاي بسيار دور تاكنون كتب و رسالات و مقالات فراوان نوشته شده است؛ چه به طور تفصيل يا خلاصه و فشرده. كمتر موضوعي را مي‌توان يافت كه اين مقدار كتاب و نوشته درباره آن داشته باشيم يا اين چنين، مورد گفت‌وگو و بحث قرار گرفته باشد. و باز كمتر موضوعي است كه درباره‌اش اين اندازه حديث و روايت از پيامبر صلي الله عليه و آله و امامان معصوم عليهم السلام و… نقل شده باشد.

احاديث منقول دربارة حضرت مهدي و آخرالزمان و ظهور و غيبت آن حضرت، از سه هزار متجاوز است؛ به ويژه آن‌كه در كتب عهد باستان و ميان اقوام و ملل و اديان مختلف، چه الهي يا غير آن و چه اديان تحريف‌شده يا تحريف‌نشده، به قيام مصلح حق و جهاني اشاره و حتي تصريح شده است. در بسياري از آن‌ها، خصوصياتي كه بر مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف موعود و امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف كاملاً تطبيق بكند، فراوان است. همة آنان سرانجام جهان را به سوي نور و هدايت، خوشبختي و سعادت، اصلاح و حقيقت و برقراري حكومت حق و عدالت نويد مي‌دهند.

آينده جهان، روشن است و نوراني، نه تاريك و ظلماني. اين است بشارت همه انبيا براي همه امم و ملل و نويد پيروزي اسلام و قرآن براي محرومان و مظلومان و مستضعفان.

آيه 105 سوره انبياء[69] و آيه 5 سوره نور و آيه 4 سوره قصص دلالت صريح دارد ‌كه حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و مصلح جهاني و الهي، سرانجام ظهور خواهد كرد و در آن، ترديدي نيست؛ بلكه مقبول همه ملل و فرق و امت‌ها است. تنها در پاره‌اي از خصوصيات او اختلاف است و اين‌كه آيا او زنده و حيّ است يا بعداً متولد خواهد شد، كم و بيش اختلاف نظر وجود دارد. از جمله اختلاف‌هاي اساسي برخي از اهل سنت با شيعه در همين قسمت است.

با همه اين‌ها مهم آن است كه اين موعود اديان و امم و منتظر ملل، همان، حجت بن الحسن المهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف‌ دوازدهمين پيشوا و فرزند امام يازدهم امام حسن عسكري عليه السلام است كه در سال 255 ق متولد شده و پس از طي دوره كوتاه غيبت، يعني غيبت صغرا به تقدير و به اذن خدا از انظار غايب و چون خورشيد پنهان در پشت ابر، به هدايت و رهبري خود ادامه مي‌دهد. او زنده است، تا روز موعود كه به اذن خداوند ظاهر شود و قيام عمومي و جهاني خويش را آغاز كند.

اين عقيده شيعه افسانه نيست؛ بلكه از صدها و هزاران حديث صحيح[70] از پيامبر صلي الله عليه و آله و امامان معصوم عليهم السلام و صحابه گرفته شده است.[71]

اين‌جا است كه خط مشي شيعه با بسياري از منتظران عمومي و كلي، مصلح جهاني و ظهور مهدي و از اهل سنت جدا مي‌شود.

بيش از هزار حديث از پيامبر و امامان عليه السلام تنها در تعيين نسب آن حضرت و مشخصات پدران معصوم او و اين كه او دوازدهمين امام و نهمين فرزند امام حسين عليه السلام و ششمين امام بعد از امام صادق و ... است، وارد شده است ... .[72]

پس وجود و ظهورش، حقيقتي انكارناپذير است و در كتب معتبر شيعه و اهل سنت دلايل فراوان دارد. حال چرا نپذيرفتند، خود جاي بحث است؛ ولي بايد گفت دليل عمده عدم پذيرش آنان، آن است كه با پذيرش اين نكته كه مهدي موعود همان حجت بن الحسن فرزند بي واسطة امام يازدهم و همان دوازدهمين امام است، مهمترين سند بر حقانيت شيعه و امامت و خلافت اهل‌بيت عليهم السلام است كه خيلي‌ها آگاهانه يا ناآگاهانه نخواسته‌اند آن را بپذيرند.

در پايان يادآوري مي‌كنيم كه در اين مقاله به چند نكته مهم اعتقادي شيعه دوازده امامي و مكتب اهل‌بيت پيامبر صلي الله عليه و آله تأكيد داشتيم:

1. مكتب تشيع، همان مكتب اصيل اسلام راستين نبوي و علوي است؛ اسلامي كه همة انبيا و مرسلين خود را پيرو آن دانسته و به پيروي از آن خواندند، نوح و ابراهيم و اسماعيل و اسحاق، يعقوب و ديگران و ... .

2. هر انساني حداقل هنگام مرگ و مشاهده عذاب و قيامت طوعاً يا كرهاً، ناگزير به اعتراف به مكتب است!

3. پيروزي فراگير و جهاني اين آيين بر تمام اديان و مكتب‌ها يقيني است.

4. امام زمان و مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف تولد يافته و زنده است؛ ولي ظهور آن حضرت به اذن خدا و اراده او بستگي دارد.

5. منكران اين عقيده و امام زمان و مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف كافرند و انكار او همانند انكار تمامي انبيا است.

6. مدعيان دروغين مهدويت يا نيابت از مهدي از گذشته‌هاي دور تا به امروز همه رسوا شده‌اند.

تاريخ تحويل: 15/2/87

تاريخ تأييد: 30/5/87

[1]. ملل و نحل، ج1، ص147؛ فرق الشيعه نوبختي ط1355، ص27.

[2]. همان، ص157، همان، ص62.

[3]. همان، ص166، همان، ص67.

[4]. همان، ص277، همان، ص80ـ 83.

[5]. همان، ص165، همان، ص68.

[6]. مدعيان نبوت و مهدويت، ص 278ـ 279.

[7]. همان، ص276.

[8]. تنبيهات الجليه في كشف اسرار الباطينة، ص40ـ 42 ( به نقل از ديباچه‌اي بر رهبري).

[9]. طبري، تاريخ الامم و الملوك، ج3، ص133ـ 129.

[10]. مجله الهلال، سال 8 و 7 به نقل از اديان و مهدويت....

[11]. نك: مروج الذهب؛ تاريخ ابن خلكان؛ الكامل في التاريخ؛ ابن اثير، ج5.

[12]. ابن اثير، ج5، عقد الفريد، ج2، ملل و نحل، ص111.

[13]. اديان و مهدويت و مدعيان نبوت و مهدويت؛ تاريخ بخارا، كتاب مهدي.

[14]. همان.

[15]. ابن خلكان و ابن اثير.

[16]. ابن اثير، ج8، فهرست ابن نديم، ص246.

[17]. به كتاب‌هاي معتبر ياد شده در بالا مراجعه شود.

[18]. كتاب مبين، ص 229. باب، در سال 1850م در تبريز كشته شد. و بها در 1309ق (1893م) در عكا كه جزو سرزمين‌هاي اشغالي فلسطين است، مرد و همان‌جا دفن شد.

[19]. «قال مثله غلاة الاماميه و خصوصا اثني عشريه، منهم يزعمون ان الثاني عشر من ائمتهم و هو محمد بن الحسن العسكري و يلقبونه بالمهدي، دخل في السرداب بدارهم بالحله و تغيب حين اعتقل مع امه و غاب هنالك و هو يخرج في آخرالزمان فيملاالارض عدلا، يشيرون بذلك الي الحديث الواقع في كتاب الترمذي في المهدي... هم الي الان ينتظرونه يسمونه المنتظر لذلك و يقفون في كل ليلة بعد صلوة المغرب بباب هذا السرداب و قد قدموا مركبا فهتفوا باسمه و يدعونه للخروج حتي تشتبك النجوم و....

[20]. باب 53 ص 246 چاپ بيروت.

[21]. براي اطلاع بيشتر، ر.ك: به اربعين ابونعيم اصفهاني (از علماي بزرگ اهل سنت و متوفاي 430ق)‌؛ كشف‌الغمه، ج3، مهدي موعود عجل الله تعالي فرجه الشريف، ص290؛ المهدي تأليف آيت‌ الله صدر و كشف الاستار مراجعه شود..

[22]. موسوعة الامام المهدي، ج1، ص26ـ 41.

[23]. كشف الاستار، ص41.

[24]. همان.

[25]. همان، ص45.

[26]. همان.

[27]. همان، ص 10ـ 12.

[28]. در الزام الناصب، ص173، روايات گروهي از بزرگان اهل سنت را كه در آنها به وجود و زنده بودن حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف از زمان غيبت تصريح شده، نقل كرده است.

[29]. تفسير نمونه، ج7، ص375.

[30]. شماره 3، سال اول، ذي‌القعده 1388ق.

[31]. همان.

[32]. موسوعة الامام المهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ج1، ص561 و631.

[33]. ر.ك: كشف الاستار، ريحانه الادب، ج1، ص 105.

[34]. كمال الدين، ص20ـ 27.

[35]. كشف الاستار؛ اعيان الشيعه، ص164؛ منتخب الاثر، ص467.

[36]. فوالله ما لباسه الاالغليظ و لاطعامه الا الشعير الجشب و ما هو الابالسيف و الموت تحت ظل السيف...»؛ النوادر، ص186.

[37]. منتخب الاثر، ص490.

[38]. اعيان الشيعه، ص150.

[39]. «يصنع ما صنع رسول الله، يهدم ما كان قبله، كما هدم رسول الله امر الجاهليه و يستأ نف الاسلام، جديدا»؛ بحار الانوار، ج52، 352.

[40]. قال الصادق عليه السلام: «اذاقام قائمنا سار بسيره رسول الله الا انه يبين آثار محمد»؛ بحارالانوار، ج52، ص347؛ ابن عساكر، تاريخ، ج1، ص62، طبع شام به نقل از منتخب الاثر.

[41]. «اما شبهه من جده المصطفي فخروجه بالسيف و قتله اعداء الله و رسوله و الجبّارين و الطواغيت و انه ينصر بالسيف و الرعب انه لاتردله راية»؛ بحارالانوار، ج51، ص218).

[42]. «و كما يجتمع قزع الخريف»؛ ابن عساكر، تاريخ، ج1، ص62؛ منتخب الاثر، ص471ـ 477.

[43]. «اذا قام القائم لم يعبد الا الله عزوجل اذا قام القائم ذهب دولة الباطل»؛ منتخب الاثر، ص471.

[44]. عن الحسن عليه السلام: «و الله لوقد قام قائمنا يجمع الله اليه، شيعتنا من جميع البلدان»؛ نهاية المرام، به نقل از منتخب الاثر، ص477.

[45]. قال ابوجعفر عليه السلام: «لايبقي احد الا اقر بمحمد صلي الله عليه و آله ».

[46]. قال ابوعبدالله عليه السلام: «اذا قام القائم، لا يبقي ارض الانودي فيها شهادة ان لا اله الله و ان محمدا رسول‌الله»؛ بحارالانوار، ج52، ص340.

[47]. «يحييها بالقائم فيحيي الارض بالعدل بعد موتها بالظلم»؛ منتخب الاثر، ص478.

[48]. «حكم بالعدل و ارتفع في ايامه الجور و امنت به السبل... و رد كل حق الي اهله و لم يبق اهل دين، حتي يظهروا الاسلام و يعرفوا بالايمان اما سمعت الله سبحانه يقول: و له اسلم ما في السماوات و الارض طوعا اوكرها و اليه ترجعون و حكم بين الناس بحكم داود و حكم محمد»؛ اعيان ‌الشيعه، ج2، ص83.

[49]. همان، ص478: «ولا يوقظ نائما و لايهريق دما».

[50]. همان، ص475.

[51]. حتي لايري اثر من الظلم.

[52]. قال صلي الله عليه و آله : «انه يستخرج كنوز الارض و يقسم المال و يلقي الاسلام بجرانه»؛ معجم احاديث الامام المهدي، ج1، ص442.

[53]. «و تصطلح في ملكه السباع...»؛ منتخب الاثر، ص487.

[54]. «المهدي الذي يملاء الارض عدلا كما ملئت جوراتا‌من البهائم و السباع و يلقي الارض، افلاذ كبدها... مثل الاسطوانه من الذهب و الفضه».

[55]. «لذهب الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم و حتي تمشي المرأة بين العراق الي الشام لاتضع قدميها الاعلي النبات و علي راسها زينتها لايهيجها سبع و لا تخافه الخرائج... يذهب الشر و يبقي الخير و يذهب الزنا و شرب الخمر و يذهب الربا...»؛ منتخب الاثر، ص474؛ النوادر، ص189.

[56]. «انت اولي بالصلوة، فيصلي عيسي ورائه ماموما»؛ مستدرك حافظ به نقل از منتخب الاثر، ص472.

[57]. بحارالانوار، ج52، ص137.

[58]. همان، ص132 و 345.

[59]. «اذا قام قائمنا وضع يده علي رؤس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به اخلاقهم»؛ نوادر، ص189.

[60]. همان، ص183؛ بحارالانوار، ج52، ص137.

[61]. كافي، ج1، ص15؛ بحار الانوار، ج52، ص36؛ منتخب الاثر، ص483.

[62]. بحار الانوار، ج52، ص321.

[63]. غيبت نعماني، ص164.

[64]. منتخب الاثر، ص482 و 518 و 168 (لايبقي في الارض خراب الا قدعمر).

[65]. همان.

[66]. قال رسول الله صلي الله عليه و آله : «يخرج في آخر امتي المهدي يسقيه الله الغيث و تخرج الارض نباتها و يعطي المال و تكثير الماشيه»؛ بحار الانوار، ج52، ص316 و 315، منتخب الاثر.

[67]. نوادر، 189؛ اعيان الشيعه، حالات امام دوازدهم، ص150.

[68]. همان.

[69]. (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ).

[70]. به مقاله نگارنده در كتاب بقية الله گفتار سوم مراجعه شود. درباره امام زمان تاكنون كتاب‌هاي بسياري چاپ شده است.

[71]. به كتب مربوطه از جمله كتاب «منتخب الاثر» مراجعه شود.

[72]. همان.